



موسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تدریس از تدریس!

سیدمسعود شیخای طباطبائی



آغاز سیر تکامل کمیک استریپ با داستانهای مصور دنباله‌دار را باید از هنگام ظهور نوع زیرزمینی‌شان از دهه ۶۰ در آمریکا و انگلیس محاسبه کرد. در آمریکا مانند انگلیس، آثار تریسمی دنباله‌دار ابزار بیان فرهنگ متقابل دو دهه ۶۰ و ۷۰ بوده‌اند، اما در اینجا بایستی به آنها تا حدود زیادی همچون عکس‌العملی نسبت به محیط قانونمند و محدودیتی که برای این نوع داستانها در دهه ۵۰ به دلیل مطرح کردن مطالب غیر اخلاقی و مستهجن ایجاد شد، نگریسته شود. در واقع، به عقیده بعضی از ناظران چنین به نظر می‌آید که جامعه آمریکا مانند پاندولی از یک تفریط به سمت افراط و برعکس نوسان می‌کند به این ترتیب که ناشران به انتشار داستانهای مصور با ایجاد جذابیت‌های غیر اخلاقی می‌پردازند، مخاطبان نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و در نهایت برای مدتی محدودیت‌هایی در ارائه این تصاویر به وجود می‌آید، ولی کمی بعد بار دیگر این داستان تکرار می‌شود.

در دهه ۵۰، به دلیل برقرار شدن قانونهایی برای منع جریان‌های مبتذل، ادامه حیات نشریات مصور به شکل زیرزمینی تغییر یافت و آنها در واقع وسیله‌ای برای بیان فرهنگ متقابل یا شورشی بر علیه قانون شدند. قانون به دلیل واکنش مردم، بر عدم وجود خشونت و تصاویر مستهجن تأکید می‌کرد، اما نشریات زیرزمینی کشت و کشتار، خونریزی، و ابتذال را به منتهای حد خود می‌رساندند. پاره‌ای از صاحبان این نشریات حتی خود قانون را هم به

مسخره می‌گرفتند. به طور مثال، کرامب (Crumb) و اسپاین (Spain) مهر تأیید قانون را بر روی جلد نشریات خود کپی می‌کردند.

اما در عین حال، روشن است که در آمریکا تصاویر دنباله‌دار به نحوی متفاوت با بریتانیا، بخشی از یک سلسله مطالب ویژه بزرگسالان را تشکیل می‌داده است. صاحبان نشریات کاملاً از این سنت آگاه بودند و مراجعه به برخی از این نشریات مانند «دیسنی کمیکس» (Dirty Comics)، «اسپریت» (Spirit) و گروه نشریات «ای‌سی» (EC) و بیشتر از همه «مد» (MAD) و مرور محتویات تند آنها مؤید چنین ادعایی است. در واقع، این طور به نظر می‌رسد که در وهله نخست نشریه «مد» اصطلاح نشریات کمیک زیرزمینی را رواج داد، چون ضمن سر مقاله شماره اکتبر ۱۹۵۴ خود نوشت: «نشریات کمیدی به زیر زمین می‌روند» این ادعا در واقع تعمیم معنی مطبوعات زیر زمینی بود که به دلیل واکنش عامه مردم به شکلی نیمه علنی امکان ادامه حیات می‌یافت.

ناشران متعددی به گروه نشریات زیرزمینی پیوستند، ناشرینی چون رابرت کرامب، کسی که نشریات مضحک بدناسی به نام «جیز» (JIZ) و در ابعادی کوچکتر «اسنچ» (Snatch) را منتشر می‌کرد و سبب اعتراض عده بسیاری از مردم شد. اسنارف (Snarf)، باگی من (Bogeyman)، جان بولتون (John Bolton) و فلیکس ماس (Felix Mas) نیز با انتشار نشریات ترسناکی همچون گروه نشریات «ای‌سی» به این جمع پیوستند.

خالقان کتابهای کمیک با پرداختن به شخصیت‌هایی چون «دراکولا»، «وامپیر»، «فرانکشتاین»، «مابوزه» و... (قهرمانان پلیدی که از قدرتهای مافوق انسانی برخوردارند) به انتشار داستانهای مصور دنباله‌دار

پرداختند. به تدریج، زمینه‌ای فراهم شد که هیچ یک از انواع دیگر استریپ‌ها به اندازه استریپ‌های ترسناک مورد توجه قرار نمی‌گرفتند.

در استریپ‌های ترسناک، هیچ هدفی جز القای وحشت دنبال نمی‌شد. استریپ‌های ترسناک با موضوعات و محتوایی غیر معقول یکی از دستاویزهای پر قدرت ناشران سودجو بود. ماهیت تخیلی این داستانها زمینه استقبال فراگیر را به وجود می‌آورد.

این داستانها معمولاً بر محور قصه‌های ترسناکی چون «دراکولا» و «فرانکشتاین» بنیان نهاده شده‌اند که ریشه بسیاری از آنها در قرون وسطی است و این استریپ‌ها عینیت بخش آنهاست. اساس و موضوع اصلی این استریپ‌ها به عنوان یک ایده وارداتی از اروپا به آمریکا راه یافت که با موفقیت این داستانها در آمریکا، دوباره به اروپا انتقال یافت.

استریپ‌ها در رشد و تکامل خود دچار تغییرات و تحولات بسیاری در موضوع و محتوایشان شدند. بدین معنا که تولیدات این مجموعه‌ها در مقاطع زمانی مختلف با حفظ چارچوب اصلی، بازسازی و دوباره سازی می‌گردیدند. علت این بازسازی‌ها مکرر و مداوم استقبال عموم و همچنین رشد و تکامل صنعت نشر بود. همچنین با افزایش آگاهی علمی و اجتماعی جامعه، می‌بایست برای حفظ موقعیت و محبوبیت این داستانهای مصور، تغییر و تحولی در محتوا و بیانشان به وجود می‌آمد.



ترس اغلب ناشی از واکنش ما در مقابل اموری است که یا هیچ‌گونه اطلاع و آگاهی از آن نداریم یا نسبت به آن احساس خطر می‌کنیم. داستان نویسان این استریپ‌ها با استناد به همین موارد و با ایجاد ترس از ناشناخته‌ها به نوشتار می‌پردازند. از آغاز پایگیری وحشتی این‌گونه، استریپ‌ها دچار دگرگونی‌هایی از جهت شیوه و ارائه موضوعات ترسناک شدند و شخصیت‌های دائمی این داستانها همچون دراکولا و فرانکشیتن جای خود را به هیولاهای دیگر دادند. اما هدف همچنان ثابت باقی ماند. همه پیشرفتهای تکنیکی نیز در جهت همسانی داستانها با زمان حال به کار گرفته شد و سواستفاده و تقویت نیروهای غیرانسانی و دمیدن روح نامیدی به مخاطب از طریق مطرح کردن ناشناخته‌های موهوم ترسناک از نتایج این استریپها شد.

عوامل اصلی زمینه‌ساز این داستانها خرافات و موهومات، خون‌آشامها، جادوگران، شیاطین، هیولاها و انسانهای مصنوعی هستند که با تخیلی دربارۀ قلمروهای ناشناخته و خارج از زمان ایجاد دلهره می‌کنند.

نشریات «وامپیر»، «دراکولا»، «فرانکشیتن» و درتی داک (Dirty Duck) به دلیل ویژگیهای خاصی که در ارائه مضامین ترسناک داشتند، مطبوعات زیرزمینی را در آمریکا به وجود آوردند. شکلهای دیگری از نشریات زیرزمینی آمریکایی نیز وجود داشتند که چندان مشهور نبودند، نشریاتی از این دست غالباً به کشورهای دیگر خصوصاً اروپا صادر می‌شدند.

بیل گریفیث (Bill Griffith) و جک جکسون (Jack Gaxon) از ناشرینی بودند که هر دو مطالب و موضوعاتی را ارائه می‌کردند که نوعی نگرش ناچور آمریکایی به مشکل نژادپرستانه آنها بود که حتی برای هم‌نوعان اروپایی‌شان ناگوار بود. گریفیث یکی از گردانندگان نشریه کمیک استریپ «بیجوفانینز» (Bigou Funnies) بود که شخصیت معروفش «زیبی کله سنجاقی» (Zippy The Pin) head معرف موجودی نیمه دیوانه - نیمه عقاب بود. این شخصیت در میان آمریکاییها بسیار محبوبیت و اشتها یافت به طوری که آنها زیبی را به عنوان یک «فوق ستاره» توصیف می‌کردند.

جک جکسون هم در تاریخ نشریات زیرزمینی بسیار شهرت دارد. تراژدی مصور او از داستان کوانا پارکر (Quanah Parker) یک اثر واقع‌گرای کمدی بود که تغییر و تحولات خام و خشن جامعه آمریکاییان را بیان می‌کرد. این اثر در ۱۹۷۸ جمع‌آوری و به صورت آلبومی تحت عنوان «ساح کومانچ» تنظیم گردید. این آلبوم به دنبال واکنشهای اعتراض‌آمیز اروپاییان تنها در آمریکا انتشار یافت. انحطاط و زوال نشریات زیرزمینی به واسطه استفاده از موضوعات و تصاویر بی‌شرمانه، زمینه برخورد قانون را با این نشریات فراهم ساخت. دو مورد از مشهورترین محاکمه‌ها در این زمینه عبارت بودند از: تعیین وضعیت قانونی نشریه «زپ» (Zap) که در شهر نیویورک مستهجن اعلام شد و دیگری ادعانامه دیسنی بود علیه یک نشریه زیرزمینی به نام «ایرپیریت فانینز» (Air Pirate Funnies) که تصاویری از میکی‌ماوس، قهرمان



بلندآوازه فیلمهای کارتون والت دیزنی، را در حال دود کردن مواد مخدر و انجام اعمال جنسی نشان داده بود.

در ۱۹۷۳، در دیوانعالی ایالات متحده قانونی تصویب شد که اجازه می‌داد هر ایالتی خود قوانین مربوط به انتشارات مستهجن را مشخص کند. این مسئله ضمن اینکه حساسیت کمتری را برمی‌انگیخت، اما در درازمدت برای ادامه حیات نشریات زیرزمینی مشکل‌ساز بود. در عین حال، هزینه‌های سرسام‌آور

کاغذ در اواسط دهه ۷۰ و اعلام قوانین ضدضمانت (نشریات معمولاً ضمانت متعددی را به مناسباتهای مختلف همراه داشتند که بر اساس این قانون مجبور شدند برای هر ضمیمه‌ای مسیر قانونی جداگانه‌ای بپیمایند) سال ۱۹۷۳ را نیز باید بر عوامل یاد شده موثر در زوال داستانهای زیرزمینی افزود.

قوانین ضدضمانت سبب شد بسیاری از فروشگاههای اختصاصی در این زمینه تعطیل شود و بدون وجود یک شبکه توزیع مناسب نیز نشریات زیرزمینی نمی‌توانست مدت زیادی دوام بیاورد. در واقع، تعطیلی فروشگاههای خصوصی منجر به پیش آمدن دوره‌ای از تلاش و تجربه ناامیدانه برای سنبل عظیم نشریات زیرزمینی در جریان اصلی مطبوعات کشور بود که باعث شد تعداد زیادی از آنها تعطیل شوند. از همه مهمتر اینکه حتی بسیاری از کادرهای متخصص و قدرتمند این نشریات نیز در این جریان امکان ادامه حیات پیدا نکردند. به عنوان مثال، نشریه «آرکاد» (Arcade) (۱۹۷۵) که توسط کریفیث و اسپینگلن انتشار می‌یافت، با آثاری از کرامپ، شلتون و اسپاین در دریای توفانی سوداگری زیرزمینی نتوانست شناور بماند و چاپ آن پس از انتشار ۷ شماره قطع شد. حتی انتشارات بزرگ مارول که سهم عمده‌ای از جریان نشریات زیرزمینی را برعهده داشت، نتوانست «کمیک بوک» اش (۱۹۷۳) را بیشتر از ۶ شماره تداوم بخشد. نشریه کم‌دی دیگری مثل «هوارد اردک» (Howard The Duck) (۱۹۷۶) که توسط استیو گریر خلق شده بود و نوعی تقلید مسخره‌آمیز از انسان در مورد یک اردک عصبی بود که سیگار می‌جوید و به راحتی جنایت می‌کند، دیری نپایید که از صحنه نشریات زیرزمینی حذف شد.

ادامه دارد

- 1- Comics Go Underground.
- 1- Creators Rights: The Lastest Panacea, The Comics, gournal, 1987, New-York.
- 2- Roger Sabin, Adult Comics, Routledge, U.S.A, 1993

